

سرمایه گذاری و چالشهای بازار مالی در بخش کشاورزی

مهدی عبداللهی^۱

چکیده

دستیابی به رشد پایدار کشاورزی از جمله مسائل اساسی است که دولت‌ها و کشورهای با درآمد پایین و متوسط با آن مواجه می‌باشند. ایجاد چنین رشدی به تمایل دولت‌ها در زمینه فقرزدایی، ضرورت سامان‌دهی عرضه غذای کافی و توجه به نقش کلیدی که بخش کشاورزی می‌تواند در توسعه فراگیر اقتصادی کشورها ایفا نماید بستگی دارد. در ایران نیز بخش کشاورزی به جهت تأثیر فراگیری که می‌تواند در زمینه رفع چالشهای اقتصادی - اجتماعی (تأمین استقلال و امنیت غذایی، ایجاد اشتغال، توسعه پایدار و حفظ محیط زیست) داشته باشد از جایگاه مهمی برخوردار بوده و ضرورت انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید در کشاورزی را آشکار می‌سازد.

دسترسی آسان و سریع به منابع مالی، یکی از الزامات و پیش‌نیازهای سرمایه‌گذاری و توسعه بخش کشاورزی است. ولی به سبب ویژگیهای منحصر به فرد بخش کشاورزی، توسعه نیافتگی بازارهای مالی کشاورزی و وجود تنگناهایی در زمینه تأمین منابع مالی مورد نیاز،

۱- محقق اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.

این بخش را با محدودیت شدید سرمایه گذاری مواجه ساخته است. این مقاله نشان می‌دهد که برای ایجاد کارایی در بازارهای مالی کشاورزی، دولت باید ضمن وضع چارچوب سیاستی مناسب و حذف مداخلات ناکارآمد خود در این بخش به رفع موانع واسطه‌گری مالی، تقویت ساختارهای مالی و توسعه ابزارهای مالی اهتمام ورزیده و خدمات مالی پایدار برای انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید و عاملان اقتصادی این بخش فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه‌گذاری، بازار مالی کشاورزی، اعتبارات بانکی، تأمین مالی، اوراق بهادار.

۱- مقدمه

به دلیل رشد قابل ملاحظه جمعیت کشور طی دو دهه گذشته و تقاضای غذا به صورت فزاینده ای افزایش یافته و تأمین استقلال و امنیت غذایی جامعه را به صورت مسئله ای اساسی مطرح ساخته است. از سوی دیگر در حال حاضر ایجاد اشتغال، توسعه پایدار و حفظ محیط زیست از مهمترین چالشهای اقتصادی - اجتماعی کشور به شمار می‌آیند. بخش کشاورزی به جهت تأثیر فراگیری که می‌تواند در کلیه زمینه‌های یاد شده داشته باشد از جایگاه مهمی برخوردار است. این امر ضرورت داشتن توجه خاص و حمایت کارآمد دولت از بخش مذکور را در جهت توسعه آن و انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید آشکار می‌سازد.

سرمایه به عنوان یکی از مهمترین نهاده‌های تولید اهمیت بسزایی در افزایش سطح تولید فعالیتهای اقتصادی و در نتیجه افزایش بهره‌وری سایر عوامل تولید دارد. در بخش کشاورزی نیز سرمایه و سرمایه‌گذاری عنصر کلیدی رشد و توسعه محسوب می‌شود. کمبود سرمایه در بخش کشاورزی کشور باعث پایین آمدن سطح بهره‌وری نهاده‌های تولید شده است. بهره‌وری اندک موجب کاهش درآمد انتظاری طرحهای

کشاورزی و سودآوری این فعالیتها شده و آنها را برای سرمایه‌گذاری غیر اقتصادی و پریسک متصور ساخته است. تجربه کشورهای موفق در زمینه تولید محصولات کشاورزی نشان می‌دهد که به‌کارگیری تجهیزات سرمایه‌ای در فعالیتهای مختلف کشاورزی منجر به افزایش بهره‌وری عوامل تولید از جمله مدیریت، نیروی کار و زمین شده است. این امر علاوه بر پوشش هزینه‌های تولید و ایجاد بازده مناسب برای سرمایه‌گذاریها، مازاد عرضه داخلی و توسعه صادرات محصولات کشاورزی را به همراه داشته است.

بازار مالی کشاورزی به سبب نقش مؤثری که در تأمین منابع مالی و سرمایه‌مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری و توسعه بخش کشاورزی دارد، از اهمیت در خور توجهی برخوردار است. وجود یک بازار مالی کارآمد که نیازهای مالی کشاورزان را با هزینه مبادله نسبتاً پایینی تأمین کند از جمله پیش‌نیازهای بنیادی توسعه بخش کشاورزی به شمار می‌رود. در این مقاله تلاش شده ضمن بیان اهمیت کشاورزی در اقتصاد جهانی، تصویری کلی از جایگاه این بخش در اقتصاد کشور و وضعیت سرمایه‌گذاری در آن ارائه شود. در ادامه به ویژگیها و چالشهای بازارها و نهادهای مالی کشاورزی در کشورهای در حال توسعه پرداخته شده و شرایط حاکم بر بازار مالی کشاورزی - روستایی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. سپس یک‌بازار مالی کشاورزی توسعه‌یافته و نحوه تأمین مالی آن معرفی شده و در پایان، پیشنهادهایی برای سامان‌دهی بازار مالی کشاورزی کشور ارائه شده است.

۲- نقش کشاورزی در اقتصاد جهان

دستیابی به رشد پایدار کشاورزی از جمله مسائل اساسی است که دولت‌ها و کشورهای با درآمد پایین و متوسط با آن مواجه می‌باشند. ایجاد چنین رشدی به تمایل دولت‌ها در زمینه فقرزدایی، ضرورت سامان‌دهی عرضه غذایی کافی و توجه به نقش کلیدی که بخش کشاورزی می‌تواند در توسعه فراگیر اقتصادی کشورها ایفا نماید

بستگی دارد. در حال حاضر عرضه غذا در جهان به یک بحران در کشاورزی تبدیل شده است. برخی از دلایل ایجاد چنین پدیده‌ای عبارتند از^۱:

الف) رشد جمعیت و درآمد سرانه در کشورهای تازه صنعتی شده و کشورهای پر جمعیت و نیز وضعیت نگران کننده کشورهای کم درآمد (که عمدتاً با کمبود غذا روبه‌رو هستند) موجب افزایش تقاضای غذا و افزون شدن آن بر عرضه جهانی غذا گردیده و بر موجودی و قیمت‌های جاری مواد غذایی تأثیر گذاشته است. با وجود کاهش نرخ رشد جمعیت در برخی کشورها، پیش بینی شده که تا سال ۲۰۲۵ جمعیت جهان به ۸/۳ میلیارد نفر برسد که ۸۴ درصد آن متعلق به کشورهای در حال توسعه خواهد بود^۲.

ب) میزان عرضه و قیمت‌های جاری مواد غذایی در حدی است که شمار زیادی از مردم فقیر از رژیم‌های غذایی مناسبی برخوردار نیستند.

ج) با وجود پیشرفت‌های فن آوری طی چند دهه گذشته که توانست محدودیت‌های عرضه را برطرف نماید و تولید اقلام مهم غذایی را افزایش دهد، اما این فن آوری‌ها با شرایط تولید تمامی محصولات سازگار نبوده‌اند. بعلاوه در مورد برخی کالاهای اساسی، فن آوری‌های تولید، محصول را به حد تولید بالقوه نزدیک کرده است (مقارن با دور نخست انقلاب سبز در آسیا)^۳. بدین ترتیب از طریق فن آوری‌های موجود امکان رشد تولید و بهره‌وری کاهش یافته است.

د) طی دو دهه گذشته کل اراضی زیر کشت در جهان ثابت بوده یا به دلیل تغییر کاربری کاهش یافته است. به عبارت دیگر اراضی زراعی سرانه با کاهش همراه بوده است. بویژه این بحران برای چند کشور پر جمعیت (مانند چین، هند و...) که در مراحل اولیه توسعه

۱ - FAO & GTZ, (1998).

۲ - سبزواری، ع. (۱۳۸۳).

۳ - در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به‌کارگیری بذرهای اصلاح شده، کودهای شیمیایی، فن آوری زراعی و به‌سود روش‌های آبیاری موجب افزایش فزاینده تولید محصولات کشاورزی و عرضه کل غذا شد.

اقتصادی قرار دارند و به دلیل رشد سریع درآمد سرانه و پدیده شهر نشینی، افزایش شدید تقاضای غذا را تجربه کرده اند، به وجود آمده است. با افزایش شهرنشینی، الگوهای غذایی دچار دگرگونی شده و مصرف مواد پروتئینی افزایش می یابد. پیش بینی شده^۱ که تا سال ۲۰۲۰ میزان تقاضای مواد غذایی در کشورهای صنعتی معادل ۲۵ درصد و در کشورهای در حال رشد میزان ۱۰۰ درصد اندازه کنونی افزایش خواهد یافت. ه) چارچوب سیاستی مناسب و زیربنای اقتصادی اساسی برای حمایت از سرمایه گذاری های پایدار (از لحاظ مالی) و تأمین مالی فناوری های کشاورزی در مناطق مختلف دنیا (بویژه افریقا) وجود ندارد.

و) سیاستهای تجاری و قیمتی گرایش به بهبود شرایط تجارت محصولات کشاورزی داشته و بین المللی شدن بازارها شرایطی بهتر اما رقابتی تر را ایجاد نموده است. هرچند این تحولات برای انجام سرمایه گذاری در کشاورزی و رشد تولید در برخی کشورهای در حال توسعه که دارای مزیت نسبی در تولید بعضی محصولات کشاورزی می باشند محیط اقتصادی مناسبی به وجود آورده است ولی در عرصه تجارت بین الملل اغلب مناقشات مربوط به تجارت کالاهای کشاورزی بوده و برای بخش کشاورزی کشورهایی که از توان رقابتی مناسبی برخوردار نیستند بحرانی اساسی تلقی می شود.

بنابراین کمبود عرضه غذا ، فقدان فن آوری های جدید ، کاهش سرانه اراضی کشاورزی، فراهم نبودن بستر مناسب برای سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه و پدیده جهانی شدن شرایط خاصی را برای بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه به وجود آورده است. شرایط موجود مبین نقش بسیار حیاتی کشاورزی در حال و آینده بوده و بر توجه بیشتر به مقوله توسعه و سرمایه گذاری در این بخش تأکید دارد.

۳- جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد ایران

ایران به لحاظ دارا بودن ظرفیت های قابل توجه از جمله بیش از ۳۷ میلیون هکتار اراضی مستعد کشاورزی، ۱۳۰ میلیارد متر مکعب آب قابل استحصال، اقلیم های متنوع آب و هوایی و قابلیت تولید طیف وسیعی از محصولات زراعی و باغی اعم از گرمسیری و سردسیری و منطقه معتدل، محصولات دام و طیور، منابع طبیعی تجدید شونده شامل جنگل ها و مراتع با وسعت ۱۰۲/۴ میلیون هکتار^۱، و وجود منابع غنی آبریزان در آب های شمال و جنوب و برخورداری از نیروی انسانی، در زمینه تولید بسیاری از محصولات کشاورزی مزیت نسبی داشته و یا می تواند خلق مزیت نماید. بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۳ در حدود ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت ۱۳۷۶)، بالغ بر ۲۵ درصد ارزش صادرات غیرنفتی^۲، بیش از ۲۰ درصد اشتغال^۳، حدود ۸۰ درصد از عرضه غذا و تأمین ۹۰ درصد نیاز مواد اولیه صنایع تبدیلی کشاورزی^۴ را به خود اختصاص داده است.

طی سه دهه گذشته سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ با تغییراتی همراه بوده است. طی دوره ۵۷-۱۳۵۳ متوسط سهم این بخش در کل اقتصاد حدود ۷/۷ درصد و میانگین نرخ رشد سالانه تولید ۵/۴ درصد بود. طی دهه اول بعد از انقلاب به علت کاهش درآمدهای نفتی، وقوع جنگ تحمیلی و رکود بخش صنعت، سهم کشاورزی در تولیدات کشور روندی افزایشی داشت و در سال ۱۳۶۷ به اوج خود (۱۵/۹ درصد) رسید. متوسط سهم بخش کشاورزی در این دوره حدود ۱۲/۶ درصد و میانگین نرخ رشد سالانه ارزش افزوده ۴/۵ درصد بود.

۱- موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۸۲).

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه.

۳- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۳).

۴- بانک کشاورزی (۱۳۸۲).

طی برنامه اول توسعه ، ارزش افزوده بخش کشاورزی از رشد مناسبی (سالانه ۶/۴ درصد) برخوردار بود. در دوره یاد شده سهم تولیدات این بخش روند با ثباتی داشت و میانگین آن به ۱۵/۱ درصد بالغ گردید. در برنامه دوم توسعه (و سال ۱۳۷۳)، میانگین رشد سالانه این بخش (۲/۱ درصد) به کمتر از یک سوم میزان رشد برنامه اول توسعه کاهش یافت و اهداف ترسیم شده مانند تأمین امنیت غذایی و خودکفایی نسبی محقق نگردید. در سال ۱۳۷۸ به دلیل بروز خشکسالی ارزش افزوده بخش کشاورزی با بیشترین کاهش (۷/۳ درصد) همراه بود. در این دوره متوسط سهم تولید این بخش در مقایسه با برنامه اول توسعه تغییر چندانی نداشت. طی دوره برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) متوسط نرخ رشد سالانه بخش مذکور ۴/۳ درصد بوده و میانگین سهم ارزش افزوده آن به ۱۳/۹ درصد GDP رسیده است. به طور کلی طی سه دهه گذشته میانگین نرخ رشد سالانه ارزش افزوده بخش کشاورزی ۴/۵ درصد بود که فراتر از متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت (۲/۴ درصد) در این دوره می باشد.

۴- سرمایه گذاری در بخش کشاورزی ایران

سرمایه یکی از مهمترین نهاده های تولید به شمار می آید. این نهاده نقش بسزایی در افزایش سطح تولید فعالیت های اقتصادی و در نتیجه افزایش بهره وری سایر عوامل تولید دارد. در بخش کشاورزی نیز سرمایه و سرمایه گذاری عنصر کلیدی رشد و توسعه محسوب می شود. همان طور که در جدول (۱) مشاهده می شود طی سه دهه گذشته سهم بخش کشاورزی از تشکیل سرمایه ناخالص کل به طور متوسط ۴/۲ درصد و دامنه تغییرات آن بین ۳/۸ تا ۴/۶ درصد بوده است. در حالی که در این دوره میانگین سهم ارزش افزوده بخش مذکور در کل اقتصاد ۱۲/۹ درصد بود. بعلاوه متوسط شاخص تشکیل سرمایه ناخالص به ارزش افزوده در بخش کشاورزی ۱۱/۶ درصد و در کل اقتصاد ۳۳/۷ درصد می باشد. این ارقام

بیانگر قلت سرمایه گذاری در بخش مذکور از یک سو و توزیع ناموزون سرمایه بین بخشهای مختلف اقتصادی از سوی دیگر می باشد. به عبارت دیگر علی رغم افزایش سهم و اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد کشور، از منابع سرمایه ای کمتری بهره جسته است.

همچنین طی سی سال اخیر نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به ارزش افزوده بخش کشاورزی شاهد تغییراتی بود. در دوره ۵۷-۱۳۵۳ میزان تشکیل سرمایه ناخالص ۲۱/۵ درصد ارزش افزوده بود. در دهه اول بعد از انقلاب این نسبت به ۱۰/۶ درصد کاهش یافت. طی سه برنامه توسعه اقتصادی نیز نسبت مذکور به ترتیب به ۹/۰، ۷/۸ و ۱۱/۰ درصد تقلیل یافت. بدین ترتیب طی سه دهه گذشته نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به ارزش افزوده در بخش کشاورزی کاهش یافته است. به گونه ای که این نسبت طی برنامه سوم توسعه تقریباً نصف دوره ۵۷-۱۳۵۳ می باشد. بنابراین طی سه دهه گذشته علی رغم افزایش سهم بخش کشاورزی در اقتصاد کشور به دو برابر نسبت تشکیل

جدول (۱) وضعیت ارزش افزوده و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی در دوره های مختلف

(درصد)

دوره زمانی	دوره قبل از انقلاب (۵۷-۱۳۵۳)	دهه اول بعد از انقلاب (۶۷-۱۳۵۸)	دوره برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸)	سال ۷۳ و برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۳)	دوره برنامه سوم (۸۳-۱۳۷۹)	کل دوره (۸۳-۱۳۵۳)
سهم ارزش افزوده کشاورزی از تولید ناخالص داخلی	۷/۷	۱۲/۶	۱۵/۱	۱۵/۲	۱۳/۹	۱۳/۹
سهم تشکیل سرمایه ناخالص کشاورزی از تشکیل سرمایه ناخالص کل	۳/۸	۳/۸	۴/۶	۴/۴	۴/۶	۴/۲
نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به ارزش افزوده کشاورزی	۲۱/۵	۱۰/۶	۹/۰	۷/۸	۱۱/۰	۱۱/۶
نسبت تشکیل سرمایه ناخالص کل به تولید ناخالص داخلی	۴۴/۹	۳۴/۷	۲۹/۴	۲۶/۷	۳۳/۰	۳۳/۷

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا. گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف.

سرمایه ناخالص به ارزش افزوده در این بخش به نصف تقلیل یافته است. این امر از یک سو بیانگر پتانسیل بالای بخش مذکور و از سوی دیگر بیانگر کاهش تمایل به سرمایه گذاری در این بخش است که تناقضی آشکار در اقتصاد کشور می باشد. به طور کلی سرمایه گذاری در بخش کشاورزی ایران با موانع و چالش های اساسی مواجه است که برخی از آنها عبارتند از :

- عدم امنیت سرمایه گذاری در سطح اقتصاد کلان و کمبود زیربنای مناسب برای توسعه بخش کشاورزی.
- وجود تنگناهای ساختاری در بخش کشاورزی از جمله بالا بودن نرخ بیسوادی در میان کشاورزان و کوچک بودن اندازه مزارع و واحدهای اقتصادی که به کارگیری روشهای نوین آبیاری و تولید را محدود ساخته است.
- سودآوری اندک در بخش کشاورزی به دلیل کوچک بودن مقیاس واحدهای بهره برداری و فعالیتها و بالا بودن مخاطرات که منجر به کاهش تمایل به سرمایه گذاری در این بخش، گریز وام و سرمایه و جذب آن در سایر بخشهای اقتصادی بویژه بخش غیرمولد شده است.
- کمبود سرمایه گذاری در زمینه ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی.
- کمبود سیاستها و برنامه های تشویقی مناسب برای سرمایه گذاری بخش خصوصی و تولید تجاری در بخش کشاورزی.
- عدم وجود ساز و کار ارشادی برای هدایت منابع بخش خصوصی در جهت سرمایه گذاری تولیدی.
- فراهم نبودن زمینه های جلب سرمایه گذاری خارجی بویژه عدم شفافیت قوانین و مقررات ناظر بر فعالیتهای اقتصادی و وجود ریسکهای سیاسی، اقتصادی و اجرایی.
- توسعه نیافتگی نهادها و بازار مالی کشاورزی و فقدان ابزارهای مالی مناسب جهت تأمین مالی طرحهای میان مدت و بلند مدت بخش کشاورزی.

از این رو برای ایجاد تحرک و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی می‌باید اصلاحات اساسی در حوزه‌های مختلف صورت گیرد. با توجه به نقش کلیدی تأمین سرمایه و تأثیر کارکرد بازار مالی کشاورزی بر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، اصلاح و توسعه نهادها و بازار مالی و ایجاد و به‌کارگیری ابزارهای مالی مناسب جهت تأمین مالی طرحها در این بخش از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۵- ویژگیها و چالشهای بازارهای مالی کشاورزی

بخش کشاورزی دارای ویژگیها و جنبه‌های اطلاعاتی خاص است. این ویژگیها عرضه و تقاضای خدمات مالی را محدود ساخته و حتی نقایص بازارهای مالی را دامن می‌زند. پراکندگی فضایی، عدم تجانس خاکها و آب و هوا میان مناطق و در درون آنها و تغییرات زیاد جوی در طی زمان و مکان، تولید کشاورزی را به صورت فعالیتی خاص درآورده است. علاوه بر وجود این شرایط، عدم تقارن اطلاعات وعدم آگاهی از بروز مشکلات، وجود اختلاف درآمدی بین کشاورزان (که از نوسانات جوی و قیمت بر کلیه تولیدکنندگان مشابه در یک منطقه ناشی می‌شود) را افزایش می‌دهد.

تعیین اثرهای پراکندگی فضایی تولید، عوامل خاص مکانی و شوکهای برونزا بر عواید، به پیچیدگی کار موسسات مالی در شناسایی وضعیت مشتریان می‌افزاید. وجود عوامل مذکور و شرایط خارج از کنترل، برنتایج ارزیابی تأثیرگذاشته و سطح فعالیتها را کمتر از حد بهینه نشان می‌دهد. از این رو آگاهی موسسات مالی از شرایط وام‌گیرندگان خیلی پرهزینه است. در نتیجه وام‌دهندگان به خاطر عدم آگاهی کامل از میزان ریسک فعالیت‌های وام‌گیرندگان، احساس خطر کرده و سطح ریسک (احتمال نکول) را تعدیل

می کنند. بدین ترتیب وام گیرندگان با انجام اقدامات فرصت جویانه در جهت کسب سود ممکن است وام دهندگان را در معرض کژمنشی^۱ قرار دهند.

وام دهندگان قادر نیستند تأثیرپذیری درآمدهای کشاورزی از عوامل مختلف را در میان وام گیرندگان محلی متنوع سازند. اما در میان مناطق با محصولات و آب و هوای مختلف تنوع بخشی سبدهای دارایی موسسات مالی امکان پذیر است. جریان وجوه تحت تأثیر فصل کشت و چرخه های محصول قرار دارد. بدین صورت که پس از برداشت محصول، سپرده های کشاورزان افزایش می یابد و تقاضای دریافت وام اغلب در فصل کشت انجام می شود و این مسئله واسطه گری مالی محلی را دشوار می سازد. بنابراین انگیزه واسطه گری مالی و متنوع سازی، عملیات در فضاهای وسیع (جغرافیایی و بخشی) را برای موسسات مالی مطرح می سازد.^۲

بعلاوه بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه به دلیل فقدان بازارهای مالی کارآمد، با مشکل جدی مواجه است. این بازارها قادر نیستند منابع مالی مورد نیاز را برای سرمایه گذاری و توسعه بخش فراهم آورند. در واقع عوامل گوناگونی موجب حضور کم رنگ واسطه گریهای مالی رسمی و عملکرد ضعیف بانکهای توسعه کشاورزی شده است. سیاستهای اقتصاد کلان نامناسب؛ سیاستهای بخشی دوگانه بین شهر-روستا و کشاورزی - غیر کشاورزی، تصور فقدان سودآوری و ضعف ساختاری نهادها و بازارهای مالی کشاورزی و مداخلات ناکارآمد دولت در این بازارها موجب عدم توسعه یافتگی واسطه گری مالی برای بخش کشاورزی گردیده است. به طور کلی چالشها و تنگناهای بازارهای مالی کشاورزی در کشورهای در حال توسعه بدین شرح است:^۳

1 - Moral Hazard.

1 - Gonzalez-Vega,C and Graham,D (۱۹۹۵).

۳ - یارون، ج. و دیگران.

الف) سیاستهای نامناسب و مداخلات ناکارآمد دولت

در اتخاذ سیاستهای بخشی و در تدوین چارچوبهای قانونی و مقرراتی، گرایش گسترده‌ای به حمایت از بخش صنعت و توجه به جوامع شهری وجود دارد. سیاستهای تجاری نامناسب نظیر کنترل قیمت‌های محصولات کشاورزی و قیمت‌های پایین فصلی، تعرفه‌های بالا بر صادرات محصولات کشاورزی، ارزشگذاری بیش از حد نرخهای ارز و سیاستهای ناظربرواردات مواد غذایی که با هدف حفظ سطح رفاه شهرنشینان اتخاذ می‌شود باعث کاهش قیمت محصولات کشاورزی و درآمد کشاورزان می‌شود.

همچنین سرمایه‌گذاری اندک در زیرساختهای روستایی و نیروی انسانی ساکن در روستاها، حمایت زیاد از صنایع داخلی و بویژه صنایع تأمین‌کننده نهاده‌های کشاورزی و الزامات قانونی و مقرراتی ناکارآمد درباره رهن و وثیقه برای دارایی‌های روستایی در مقایسه با دارایی‌های شهری از دیگر سیاستهای تبعیض آمیزی است که موجب تضعیف بخش کشاورزی می‌شود.

بعلاوه دخالت دولتها که به دنبال هدایت سرمایه‌های خود و آژانسهای کمک‌کننده به بخش کشاورزی صورت می‌گیرد باعث تشدید بسیاری از مشکلات در بازارهای مالی کشاورزی - روستایی شده است. وضع نرخهای بهره پایین و اعطای اعتبارات یارانه‌ای و در عین حال محدود در بخش کشاورزی موجب افزایش تقاضای دریافت تسهیلات و برخورداری ثروتمندان دارای وثیقه و کشاورزان دارای ارتباط بهتر از آن شده و منجر به بیرون راندن کشاورزان فقیر گردیده است. در نتیجه، نابرابری درآمدی تشدید شده و دسترسی فقرا به اعتبار کاهش یافته است. بنابه دلایل سیاسی در بسیاری از موارد حذف اعتبارات یارانه‌ای مشکل است. علاوه بر این غالباً دولتها

مؤسسات مالی کشاورزی را در مقام مجاری پرداخت در نظر می‌گیرند و مشتریان و وام‌گیرندگان اغلب وام‌های کوچک را به منزله کمک‌های بلاعوض که اجباری به بازپرداخت آن نیست تلقی می‌کنند. افزون بر این دولت‌ها بانک‌های تخصصی کشاورزی و مؤسسات مالی کشاورزی را ملزم به وام‌دهی صرف به فعالیتهای کشاورزی نموده و در نتیجه باعث افزایش ریسک این قبیل مؤسسات مالی شده‌اند و چنین تصویری را ایجاد کرده که وام‌دهی به کشاورزی فعالیتی خاص است و تلاشی در جهت ارتباط آن با بازارهای مالی وسیعتر صورت نگرفته است.

ب) تنگناهای بازارهای مالی و موانع واسطه‌گری مالی

در کشورهای در حال توسعه سیاست‌های اقتصاد کلان نامناسب عملکرد بازارهای مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین اتخاذ سیاست‌های بخشی نظیر کنترل‌های قیمتی، سیاست‌های تجاری و اولویت‌های سرمایه‌گذاری دولت باعث تحریف در تخصیص منابع از طریق واسطه‌گری‌های مالی می‌شود. بعلاوه وجود محدودیت‌های قانونی و مقرراتی موجب افزایش نااطمینانی و کاهش بازده انتظاری برای اعتباردهندگان در معاملات مالی شده و هزینه‌های معاملاتی را افزایش می‌دهد و از عرضه اعتبار و سپرده‌ها می‌کاهد. افزون بر اینها تنگناهای بازارهای مالی مانند عدم انعطاف این بازارها و اطلاعات ناقص، از تخصیص بهینه منابع جلوگیری می‌کند. این محدودیت‌ها به‌طور کلی بر واسطه‌گری و معاملات مالی در بخش کشاورزی تأثیرگذار است.

فصلی بودن چرخه تولید و فروش محصولات کشاورزی و وجود شوک‌های زیاد درآمدی و قیمتی تولیدات، ریسک‌های واسطه‌گری مالی را افزایش می‌دهد. بعلاوه عموماً کشاورزان در روستاها سکونت داشته و در بسیاری از کشورها، تراکم جمعیت در این مناطق کم و مردم عمدتاً فقیر هستند. از این رو درآمد پایین و پس‌انداز اندک کشاورزان و کوچک بودن وام‌ها باعث افزایش هزینه معاملاتی در بازارهای مالی می‌شود. همچنین

کشاورزان متقاضی وام وثیقه کافی و متعارف موردنیاز بانکهای تجاری را در اختیار ندارند. مضافاً اینکه کمبود زیرساختها و وسایل ارتباطی و نبودن ارتباط کامل با سایر بازارها باعث پراکندگی و تعدد بازارها و در نتیجه محدود شدن جریان اطلاعات و افزایش ریسک می‌گردد. به‌طور کلی واسطه‌گران مالی و مشتریانشان به اطلاعات جامعی برای تعیین ریسک معاملات و محیط اقتصادی و سیاسی با ثبات برای تکمیل قرارداد در طول زمان نیاز دارند. ولی نداشتن آزادی عمل برای موسسات مالی در ارزشیابی ریسک مشتریان و نیز عدم انعطاف شرایط قراردادی در پرداخت تسهیلات از دیگر محدودیتهای واسطه‌گری مالی می‌باشد. در نتیجه ضعف بازارهای مالی و دامنه محدود خدمات مالی بخش رسمی، فعالیت بخش غیررسمی گسترش یافته و نرخهای بهره بالا در بازار مالی غیر رسمی را موجب شده است. افزون بر این، تهدید پس‌انداز کشاورزان و ناگزیر بودن به نگهداری پس‌اندازها در جایی امن یکی دیگر از معضلات می‌باشد.

۶- وضعیت بازار مالی کشاورزی - روستایی ایران

طبق تعریف بازار مالی به دو جزء بازار پول و بازار سرمایه تقسیم می‌شود. برپایه این تقسیم‌بندی، بازار پول، دیون کوتاه مدت نظیر تسهیلات بانکی را شامل شده و بازار سرمایه، دیون بلند مدت مانند اوراق قرضه یا مشارکت و اوراق سهام را در بر می‌گیرد. با توجه به ضعف بازار سرمایه کشور و عدم استفاده از ابزارهای مالی موجود در این بازار جهت تأمین مالی بخش کشاورزی، قسمت عمده‌ای از منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاری‌ها در بخش مذکور خارج از بازار مالی و توسط دولت تأمین می‌شود. بنابراین هم‌اکنون بازار مالی بخش کشاورزی منحصر به بازار پول بوده و فاقد بازار سرمایه است. به بیان دیگر پرداخت اعتبارات و تسهیلات تنها شیوه تأمین مالی مبتنی بر بازار برای بخش کشاورزی و روستایی می‌باشد. بعلاوه بازار مالی را می‌توان در دو بخش رسمی و غیررسمی

طبقه بندی کرد. بخشی از بازار مالی که در چارچوب قوانین، مقررات و سیاستهای پولی کشور عمل می کند با نام بخش رسمی یا متشکل بازار مالی و در مقابل بخشی که خارج از ضوابط و مقررات رسمی عمل می کند در مقام «بخش غیررسمی» یا «غیر متشکل» شناخته می شود. در حال حاضر بخش وسیعی از بازار مالی کشاورزی - روستایی ایران تحت مراقبت و نظارت دولت قرار دارد. به طوری که ۷۵/۹ درصد از عرضه وجوه در این بازار از محل منابع رسمی شامل بانک کشاورزی، تعاونی های روستایی و بانک های تجاری تأمین می شود. منابع غیررسمی شامل صندوق های قرض الحسنه، کاسبان محل، سلف خرها، آشنایان و غیره ۲۴/۱ درصد از عرضه وجوه را تأمین می کنند (جدول (۲)). بدین ترتیب بازار رسمی قادر به تأمین تمامی درخواست های تسهیلات متقاضیان این بخش نیست. علت این امر پایین بودن نرخ سود تسهیلات در بخش کشاورزی و در نتیجه فزونی مقدار تقاضا نسبت به عرضه تسهیلات در بخش رسمی بوده است. براین اساس، در بخش غیررسمی که دارای نرخ سود انعطاف پذیر و نسبتاً بالاتری است، این اختلاف دیده نمی شود^۱.

جدول (۲) منابع اصلی عرضه تسهیلات در بازار مالی کشاورزی - روستایی

منابع	سهم عرضه کنندگان (درصد)	مازاد تقاضا (درصد)
رسمی	بانک کشاورزی	۵۰/۴
	بانکهای تجاری	۲۵/۵
	جمع	۷۵/۹
غیررسمی	صندوق قرض الحسنه	۲
	کاسبان محل	۱/۷
	سلف خر	۲
	آشنایان	۱۶
	موارد دیگر	۲/۴
جمع کل		۱۰۰
		—

مأخذ: عرب مازار، ع. خدارحمی، ر (۱۳۷۸).

۱- عرب مازار، ع. خدارحمی، ر (۱۳۷۸).

۶-۱- بازار مالی رسمی

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، در بازار مالی رسمی کشاورزی - روستایی کشور از مجموع وجوه عرضه شده ۶۶/۴ درصد توسط بانک کشاورزی به شکل مستقیم یا با واسطه تعاونیهای روستایی و ۳۳/۶ درصد توسط بانکهای تجاری تأمین می‌گردد. همچنین در سالهای مختلف و بویژه سالهای اخیر، سهم بانک کشاورزی از کل مانده تسهیلات اعطایی نظام بانکی به بخش کشاورزی بیش از ۵۵ درصد بوده است. در سال ۱۳۸۳ سهم بانک کشاورزی از کل مانده تسهیلات اعطایی ۵۵/۳ درصد و بانکهای تجاری ۴۴/۷ درصد بود^۱. بنابراین بانکهای دولتی و در رأس آن بانک کشاورزی تنها نهادهای مالی فعال در بازار مالی رسمی و تأمین‌کننده منابع مالی مورد نیاز بخش کشاورزی کشور می‌باشند. در بازار مالی کشاورزی - روستایی ایران مازاد تقاضای تسهیلات وجود دارد. بخش عمده این تقاضای اضافی متوجه بخش رسمی بازار مالی و بویژه بانک کشاورزی است. دلیل این امر از یک سو به کارگیری نرخهای سود تثبیت شده و نسبتاً پایین در بخش رسمی و از سوی دیگر محدودیت منابع مالی بانک کشاورزی و بی‌رغبتی بانکهای تجاری نسبت به اعطای تسهیلات به کشاورزان است. به دلیل اجرای سیاست اعتبارات ارزان و یارانه‌ای به بخش کشاورزی از سوی دولت، نرخ سود بانکی اعتبارات رسمی کمتر از نرخهای سود دریافتی از بقیه بخشهای اقتصادی است. همچنین مقایسه نرخ تورم و نرخ سود تسهیلات اعطایی به بخش کشاورزی طی دوره ۸۳-۱۳۵۳ نشان می‌دهد که به استثنای برخی سالها، نرخ تورم بیشتر از نرخ سود تسهیلات اعطایی به این بخش بوده است. به عبارت دیگر نرخ واقعی سود تسهیلات بانکی منفی است. این در حالی است که برای تشویق پس‌انداز کنندگان به سپرده‌گذاری در نظام بانکی و تجهیز منابع مالی می‌باید نرخ سود سپرده‌ها متناسب و بالاتر از نرخ تورم سالانه تعیین گردد. در سال ۱۳۸۳ نرخ سود تسهیلات

۱- بانک مرکزی ج.ا.ا، گزارش اقتصادی و ترازنامه.

بانکی در بخش کشاورزی ۱۳/۵ درصد و نرخ تورم ۱۵/۲ درصد بود. بدین ترتیب نرخ سود واقعی اعتبارات پرداختی به این بخش در سال مذکور ۱/۷- درصد بود.

شایان ذکر است که از ابتدای برنامه چهارم توسعه نرخ سود تسهیلات بانکی یکسان گردیده و بر اساس مفاد ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم هرگونه اعطای تسهیلات بانکی با نرخ کمتر و سهمیه بندی تسهیلات (تفکیک بخشهای مختلف اقتصادی و منطقه ای) و اولویتهای مربوط به بخشها و مناطق تنها در صورتی مجاز است که مابه التفاوت یارانه نقدی و یا وجوه اداره شده توسط دولت به نظام بانکی پرداخت گردد. بدین ترتیب قانون مذکور، ضمن تأکید بر استمرار روند پرداخت تسهیلات با نرخ ترجیحی به بخش کشاورزی، مشوقی برای نظام بانکی بوده تا با رغبت بیشتری اقدام به پرداخت تسهیلات به این بخش نماید.

البته نرخ سود اعتبارات اعطایی به بخش کشاورزی با افزودن هزینه های پنهان دریافت وام نظیر هزینه های فرصت زمانی، هزینه آمد و رفت و خوراک، هزینه تأمین وثیقه یا ضامن و هزینه اداری و کارشناسی تا حدودی افزایش می یابد. هزینه کارمزد و سود بانکی حدود ۶۹/۳ درصد از کل هزینه دریافت تسهیلات زارعان متقاضی دریافت تسهیلات را تشکیل می دهد و مابقی، هزینه های جانبی وام دریافتی می باشد. در میان اقلام هزینه ای مذکور، به ترتیب هزینه فرصت زمانی ۱۱/۸ درصد، هزینه آمد و رفت و خوراک ۸/۱ درصد، هزینه تأمین وثیقه و ضامن ۶/۳ درصد و هزینه اداری و کارشناسی ۴/۵ درصد سهم در افزایش نرخ سود وام دریافتی توسط کشاورزان دارد. همچنین در بازار مالی رسمی، کشاورزان دارای زمین و سطح زیر کشت بیشتر و درآمد بالاتر به اعتبارات بانکی دسترسی بهتر دارند. بویژه در مناطقی که فاصله تا بانک زیاد است دسترسی به اعتبارات رسمی نیز کمتر است^۱.

۱ - یعقوبی، و. و ترکمانی، ج. (۱۳۸۲).

۶-۲- بازار مالی غیررسمی

آنچنان که قبلاً اشاره شد، بخشی از نیاز مالی کشاورزان و روستاییان (۱/۲۴ درصد) از طریق منابع غیررسمی تأمین می‌شود. در بخش غیر رسمی آشنایان با حدود ۶۶/۴ درصد سهم، تأمین‌کننده اصلی اعتبار می‌باشند. صندوقهای قرض الحسنه، سلف‌خرها و کاسبان محل به ترتیب با ۸/۳، ۸/۳ و ۷/۱ درصد در مراتب بعدی اهمیت قرار دارند. به استثنای صندوقهای قرض الحسنه که مواجه با مازاد تقاضای تسهیلات می‌باشند، در سایر منابع بازار مالی غیر رسمی کشاورزی - روستایی به دلیل وجود نرخهای سود انعطاف پذیر و نسبتاً بالای اعتبارات، مازاد تقاضای اعتبار دیده نمی‌شود (جدول (۲)). نرخ سود اعتبارات بازار غیرمتشکل پول در بخش کشاورزی و روستایی تفاوت زیادی با نرخ سود بازار رسمی دارد. در جدول (۳) نرخ سود اعتبارات در بازار غیررسمی در سال ۱۳۷۶ ارائه شده است.

جدول (۳) نرخ سود اعتبارات در بازار مالی غیررسمی کشاورزی - روستایی

(درصد)

منابع تأمین اعتبار	کمتر از یک سال	یک تا دو سال	دو سال و بالاتر
کسبه محل	۴۰	۳۷	۳۲
سلف خر	۳۳	۲۲	۲۵
آشنایان	۳۶	۴۰	۳۶
سایر	۲۵	۲۰	۱۱

مأخذ: مرکز تحقیق و توسعه بانک کشاورزی.

همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود نرخ سود اعتبارات در بازار غیرمتشکل برای دوره‌های مختلف زمانی و منابع تأمین‌کننده آن متغیر است. نرخهای سود برای اعتبار کمتر از یک سال بین ۲۵-۴۰ درصد، برای اعتبارات یک تا دو سال ۲۰-۴۰ درصد و برای اعتبارات بیش از دو سال ۱۱-۳۶ درصد می‌باشد.

همچنین نرخ بهره وام‌دهی منابع غیررسمی در مناطق روستایی ۳۰/۷ درصد برآورد شده که سهم هزینه کارمزد (شامل سود سرمایه و هزینه ریسک) حدود ۸۵/۹ درصد و مابقی مربوط به هزینه‌های جانبی دریافت تسهیلات می‌باشد. افزون بر این افراد کم‌درآمدتر متقاضیان اصلی تسهیلات از منابع غیررسمی به شمار می‌آیند و بخش غیررسمی عامل اصلی پرداخت اعتبار به کشاورزان برای مصارفی مانند هزینه خانوار و پرداخت بدهی‌ها می‌باشد. بعلاوه وام‌دهندگان غیررسمی تمایل بیشتری به اعطای وام به افرادی داشته‌اند که از مقدار زمین بیشتری برخوردار بوده‌اند. زیرا ریسک بازپرداخت وام کمتر و بازپرداخت به‌موقع وام با احتمال بیشتری صورت خواهد گرفت.^۱

به‌طور کلی نرخ سود اعتبارات در بازار غیررسمی بسیار بیشتر از نرخ سود در بازار رسمی است و گاهی این اختلاف بیش از دو برابر است. در بخش رسمی به دلیل وجود تشریفات اداری و مراحل گوناگونی که متقاضی دریافت تسهیلات می‌باید طی کند، هزینه‌های جانبی یا معاملاتی تسهیلات افزایش می‌یابد. با این وجود، کل هزینه‌های دریافت تسهیلات از منابع رسمی در مقایسه با بخش غیررسمی بسیار کمتر است. اغلب مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور نیز مؤید این نتیجه هستند.

۷- معرفی یک بازار مالی کشاورزی توسعه یافته

در این قسمت به معرفی بازار مالی کشاورزی ایالات متحده آمریکا پرداخته می‌شود. هر چند بین بخش کشاورزی کشور آمریکا از بسیاری جهات بویژه اندازه مزارع و واحدهای کشاورزی، به‌کارگیری فن‌آوری‌های نوین و ضریب مکانیزاسیون با بخش کشاورزی ایران تفاوت وجود دارد. ولی بهره‌گیری از تجارب موفق این کشور در زمینه تأمین مالی کشاورزی حایز اهمیت بوده و درسهای آموخته شده از بازارهای مالی توسعه

^۱ - یعقوبی، و. و ترکمانی، ج. (۱۳۸۲).

یافته و ابزارهای مالی مرسوم در این بازارها می‌تواند در طراحی چارچوبی مناسب برای بازار مالی کشاورزی - روستایی کشور و سامان‌دهی آن کمک نماید.

بخش عمده‌ای از منابع مالی مورد نیاز فعالیتهای کشاورزی در ایالات متحده آمریکا از طریق نظام اعتبار کشاورزی^۱ تأمین می‌شود. این نظام، شبکه‌ای گسترده از موسسات وام‌دهنده و ارائه‌کننده خدمات وابسته به کشاورزان در سراسر ایالات متحده آمریکا است. نظام اعتبار کشاورزی از طریق بانکها و موسسات تحت پوشش اقدام به اعطای وام و اعتبار و ارائه سایر خدمات به کشاورزان، دامداران، تولیدکنندگان و پرورش‌دهندگان آبزیان، مستغلات روستایی، واحدهای تجاری وابسته به کشاورزی، تعاونیهای کشاورزی و شیلات (یا سایر اشخاص ذی‌نفع در این تعاونیها)، تأسیسات روستایی، اشخاص خارجی یا داخلی درگیر در مبادلات بین‌المللی اعتباری کشاورزی می‌کند. این نظام با هدف تضمین و تأمین منابع مالی کافی برای بخش کشاورزی و روستایی در ایالات متحده آمریکا تشکیل شده و بر اساس قانون اعتبار کشاورزی این کشور توسعه یافته است. نظام مورد اشاره عمدتاً از طریق انتشار اوراق بهادار در بازارهای سرمایه داخلی و بین‌المللی تأمین مالی می‌شود. مدیریت مناسب منابع مالی، وام‌دهی حساب شده و الگوی مناسب تأمین مالی موجب افزایش سرمایه این نظام شده است. در ادامه به معرفی اجزای مختلف نظام اعتبار کشاورزی آمریکا پرداخته می‌شود.^۲

الف) شورای اعتبار کشاورزی: این شورا نماینده نظام و یک بخش اجرایی در دولت ایالات متحده می‌باشد. شورای اعتبار کشاورزی سازوکاری برای گسترش جایگاه و سیاست‌های نظام اعتبار کشاورزی موافق با قانون فدرال و اقدامات دولت (که بر نظام

1 - The Farm Credit System.

2 - WWW.farmcredit.com.

اعتباری مؤثر است) به شمار می آید. همچنین این شورا خدمات حمایتی نظیر آموزش، بازاریابی، بیمه و خرید محصول به قیمت پایه به اعضای خود ارائه می کند.

ب) هیئت اجرایی اعتباری کشاورزی (FCA): نظام اعتبار کشاورزی تحت اداره و نظارت هیئت اجرایی اعتباری کشاورزی قرار دارد. FCA عاملی مستقل در بخش اجرایی دولت ایالات متحده است. موسسات فعال در نظام اعتباری به طور دوره‌ای توسط این هیئت بازرسی و نظارت می شوند. بازرسی‌ها شامل تحلیل کمی و کیفی اعتبارات و وثیقه‌ها، میزان تکافوی سرمایه و سرمایه‌سازی، کارایی مدیریت، اتخاذ سیاست‌های سازگار در جهت اجرای قانون اعتبار کشاورزی، نظارت بر اجرای مقررات وضع شده توسط FCA از سوی موسسات و ارائه خدمات به کشاورزان و روستاییان واجد شرایط می باشد. مأموریت اصلی FCA رواج نظام اعتبار کشاورزی رقابتی، ایمن و سلامت است. بنابراین هیئت از لحاظ قانونی این اختیار را دارد که اقدامات ویژه‌ای را در جهت کسب اطمینان از ایمنی و سلامت عملیات موسسات نظام اعتباری به اجرا گذارد. همچنین موسسات مالی این نظام می باید گزارش سالانه‌ای به این هیئت ارائه نمایند.

ج) بانکها و موسسات مالی: در نظام اعتبار کشاورزی اعطای وام و ارائه خدمات اعتباری از طریق بانکها و موسسات مالی وابسته صورت می گیرد. این نظام در سراسر آمریکا دارای ۵ بانک و ۹۷ موسسه مالی است که به صورت تعاونی و تحت مالکیت وام گیرندگان اداره می شوند. بر خلاف بانکهای تجاری، موسسات مالی مورد اشاره سپرده پذیر نیستند و وجوه قابل وام‌دهی خود را از طریق انتشار اوراق بهادار بدهی کشاورزی تأمین می کنند. این اوراق به شکل گسترده توسط شرکت انتشار دهنده در بازارهای سرمایه داخلی و بین‌المللی عرضه می شود.

برخی از محصولات و خدماتی که توسط موسسات نظام اعتبار کشاورزی ارائه می‌شوند عبارتند از: وام‌های مستغلات^۱، وام‌های تولید، وام‌های میان مدت، وام‌های رهنی مسکن روستایی^۲، اجاره‌ها، بیمه عمر وابسته به اعتبار، بیمه محصول و خدمات گوناگون مالی نظیر نگهداری رکورد اطلاعاتی و برنامه‌ریزی مالیات^۳.

موسسات اعتباری کشاورزی علاوه بر اعطای وام‌های بلندمدت برای خرید یا مرمت دارایی‌های غیرمنقول یا تأمین مالی مجدد بدهی آنها، به پرداخت وام‌های میان مدت و کوتاه‌مدت جهت تأمین مالی فعالیت‌های فرآوری محصولات کشاورزی، بازاریابی محصولات و مواد غذایی، تأمین تجهیزات، تسهیلات و امور دام اشتغال دارند. شرکت‌های اعتباری زمین فدرال، وام‌های بلندمدت برای خرید یا مرمت دارایی‌های غیرمنقول یا تأمین مالی مجدد بدهی آنها اعطا می‌کنند. همچنین در این نظام، بانکها و موسسات مالی می‌توانند با وام‌دهندگان تجاری در اعطای وام به اشخاص واجد شرایط و در حیطه فعالیت‌های تعریف شده، همکاری نمایند.

بعلاوه بانکها خط کامل اعتباری و خدمات مالی مرتبط با تعاونیهای کشاورزی و شیلات، تأسیسات روستایی و سایر مشتریان واجد شرایط نظیر تعاونیهای بازاریابی، فرآوری و صادرکنندگان محصولات کشاورزی و غذایی ارائه می‌نمایند. این بانکها مبادلات اعتباری کشاورزی بین‌المللی خاص را نیز برای واجدان شرایط تأمین مالی می‌کنند.

د) شرکت تأمین مالی: شرکت تأمین مالی، آژانس مالی دولتی و مستقلی است که مأموریت اصلی آن تدارک وجوه برای نظام اعتبار کشاورزی از طریق انتشار و بازاریابی اوراق بدهی اعتبار کشاورزی می‌باشد. شرکت تأمین مالی از طریق گروههای فروش

1 - Real Estate Mortgage Loans.

2- Rural Home Mortgage Loans.

3 - Record Keeping and Tax Planning.

(مانند بانکهای سرمایه‌گذاری و بانکهای فروشنده اوراق قرضه دولتی) اوراق بهادار بدهی اعتبار کشاورزی را در سراسر دنیا توزیع می‌کند و سرمایه‌گذاران مختلف نظیر بانکها، دولت‌های ملی و محلی، صندوقهای بازنشستگی، شرکت‌های بیمه، مدیران سرمایه‌گذاری، اتحادیه‌های اعتباری، شرکت‌ها، بانکهای مرکزی و اشخاص حقیقی این اوراق را خریداری می‌کنند. بعلاوه شرکت مذکور به بانکهای فعال در این نظام در مورد مدیریت دارایی/ بدهی و فعالیت‌های تأمین مالی خاص کمک می‌کند.

با تصویب هیئت اجرایی اعتبار کشاورزی (FCA)، شرکت مذکور مسئولیت تعیین مبالغ، سررسیدها، نرخ‌های بهره و شرایط همکاری بانکهای نظام اعتباری را در هر مرتبه انتشار اوراق بهادار بدهی اعتبار کشاورزی به عهده دارد. در هر مرتبه انتشار اوراق بهادار بدهی اعتبار کشاورزی طی موافقت‌نامه‌ای بین شرکت تأمین مالی و بانکهای نظام اعتباری، شرایط همکاری تعیین می‌شود. همچنین این شرکت خدمات مشاوره‌ای، حسابداری و گزارش‌دهی مالی را به بانکهای نظام اعتباری ارائه می‌نماید. شرکت تأمین مالی سخنگوی مالی و مسئول اجرای افشای اطلاعات مالی و انتشار اطلاعات عمومی درباره شرایط مالی و عملکرد نظام اعتبار کشاورزی است.

این شرکت اوراق بهادار بدهی اعتبار کشاورزی را در انواع مختلف منتشر می‌کند. اوراق مزبور شامل اوراق تنزیلی^۱، اوراق اختصاصی^۲، اوراق قرضه^۳ و اوراق مادر^۴ می‌باشند. تنوع اوراق بهادار، گزینه‌های سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران بیشتر کرده و به بازاریابی اوراق و مدیریت بهتر ریسک کمک زیادی می‌کند. در ادامه به‌طور مختصر برخی ویژگی‌های اوراق بهادار یاد شده ذکر می‌شود.

1 - Discount Notes.

2 - Designated Bonds.

3 - Bonds.

4 - Master Notes.

اوراق تنزیلی

اوراق تنزیلی اعتبار کشاورزی، ابزارهای بدهی کوتاه مدت با درجه اعتباری بالا می باشند. این اوراق دارای نرخ بهره متغیر، دوره سررسید یک تا ۳۶۵ روز و انتشار روزانه بوده و به صورت تنزیل به فروش می رسند. با توجه به دامنه سررسید این اوراق، سرمایه گذاران قادرند نیاز نقدینگی خود را به حداقل برسانند. در سال ۲۰۰۳ سرمایه گذاری که از اوراق تنزیلی اعتبار کشاورزی استفاده کردند شامل: مدیران سرمایه گذاری (۶۵ درصد)، شرکتها (۹ درصد)، دولتهای محلی و ایالتی (۹ درصد)، بانکها و اتحادیه های اعتباری (۷ درصد)، شرکت های بیمه (۵ درصد)، بانکهای مرکزی (۱ درصد) و بقیه (۴ درصد) بودند.

• اوراق اختصاصی

اوراق اختصاصی اعتبار کشاورزی، اوراق بهادار با پرداخت پذیر یا بازپرداخت ناپذیر با درجه اعتباری بالایی باشند که دارای درجه نقدشوندگی بالا هستند. نرخ بهره این اوراق ثابت و معمولاً هر شش ماه پرداخت می شود. دوره سررسید اولیه آن ۲ تا ۵ سال بوده و توسط اتحادیه ای مشتمل بر ۲ تا ۶ معامله گر اوراق قرضه از طرف نظام اعتبار کشاورزی به عموم عرضه می شود. در سال ۲۰۰۳ نحوه توزیع جغرافیایی اوراق اختصاصی عبارت از: ایالات متحده (۶۲ درصد)، آسیا (۲۹ درصد)، اروپا (۶ درصد) و بقیه (۳ درصد) بود. همچنین نحوه توزیع آن در میان سرمایه گذاران به ترتیب مدیران سرمایه گذاری (۲۹ درصد)، بانکهای مرکزی (۲۸ درصد)، بانکها و اتحادیه های اعتباری (۲۲ درصد)، شرکت های بیمه (۷ درصد)، شرکتها (۶ درصد)، دولتهای محلی و ایالتی (۴ درصد)، صندوقهای بازنشستگی (۳ درصد) و بقیه (۱ درصد) بود.

• اوراق قرضه

اوراق قرضه اعتبار کشاورزی، ابزارهای بدهی با درجه اعتباری بالا هستند. این اوراق در طول ماه با ساختارها، سرسیدها و مبالغ گوناگونی منتشر می شوند. از این رو

بهترین فرصت نظام اعتبار کشاورزی برای پاسخ به نیازهای گوناگون سرمایه‌گذاران و فروشندگان اوراق به شمار می‌آید. این اوراق دارای نرخ بهره ثابت (در زمان انتشار تثبیت می‌شود) و یا نرخ بهره شناور (معمولاً از طریق یک نرخ مرجع مانند نرخ لایبور یا شاخص‌های ادواری تعدیل می‌شوند) می‌باشند. اوراق قرضه با نرخ ثابت ممکن است بازپرداخت‌پذیر یا بازپرداخت ناپذیر باشند. در هر روز کاری امکان انتشار این اوراق وجود دارد و دوره سررسید آن از ۳ ماه تا ۳۰ سال متغیر است. سررسیدهای گوناگون، جنبه‌های بازپرداخت و نرخ‌های بهره شناور دامنه وسیعی از نیازهای سرمایه‌گذاران را برآورده می‌سازد.

• اوراق مادر

اوراق مادر اعتبار کشاورزی، موافقت‌نامه‌هایی دو جانبه است که امکان سرمایه‌گذاری با درجه اعتباری بالا را برای مدیران سرمایه‌گذاری به‌طور انعطاف‌پذیر فراهم می‌سازد. نرخ بهره متغیر اوراق مادر با نرخ مرجع در بازار پول (نظیر نرخ اوراق تنزیلی یا لایبور و به‌صورت هفتگی یا ماهانه) تعدیل می‌شوند. معمولاً اوراق مادر دارای سررسید یک ساله و پرداخت سود ماهانه می‌باشد. این اوراق جنبه اختیار خرید یا اختیار فروش را دارند. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران این امکان را پیدا می‌کنند تا هر زمان تا ۲۵ درصد ارزش اسمی مقدار اولیه اوراق خریداری شده را با شرکت تأمین مالی نظام اعتبار کشاورزی مبادله کنند. توافق دو جانبه بین سرمایه‌گذار و شرکت تأمین مالی معمولاً از طریق یک معامله‌گر اوراق قرضه صورت می‌گیرد. این اوراق توسط دولت یا نهاد دیگری ضمانت نمی‌شوند و شناسایی ریسک آن بر عهده سرمایه‌گذاران است.

ه) شرکت رهنی کشاورزی فدرال: این شرکت با هدف جذب سرمایه‌های جدید برای تأمین مالی مستغلات و ساختمان‌های مورد نیاز واحدهای تولیدی کشاورزی و

فراهم کردن نقدینگی برای وام‌دهندگان کشاورزی تأسیس گردیده است. این شرکت از سوی FCA و در چارچوب قانون در نقش یکی از عناصر نظام اعتبار کشاورزی آمریکا فعالیت می‌کند.

۸- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

توسعه اقتصادی کشورهای پرجمعیت موجب شده که تقاضای جهانی غذا به شکل فزاینده‌ای افزایش یابد و توسعه کشاورزی را با فرصتها و چالشهای جدیدی مواجه ساخته است. این وضعیت در نتیجه ایجاد شرایط بهتر در مبادلات تجاری محصولات کشاورزی، گرایش به تجارت آزاد، گشوده شدن بازارهای جهانی غذا و بهبود محیط‌های اقتصادی ملی و بین‌المللی به وجود آمده است. از این رو انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید در کشاورزی و تأمین مالی آن به عنوان موضوعی مهم در عرصه جهانی مطرح می‌باشد.

طی سه دهه گذشته سهم بخش کشاورزی ایران از ارزش افزوده کل به‌طور متوسط حدود ۱۳ درصد و سهم آن از تشکیل سرمایه ناخالص کل به‌طور متوسط حدود ۴ درصد بوده است. علی‌رغم افزایش سهم و اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد کشور در دوره یادشده به دو برابر، نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به ارزش افزوده در این بخش به نصف تقلیل یافته است. قلت سرمایه‌گذاری در بخش مذکور و توزیع ناموزون سرمایه بین بخشهای مختلف اقتصادی توسعه این بخش را با دشواری مواجه ساخته است. یکی از موانع اساسی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، توسعه نیافتگی نهادها و بازار مالی کشاورزی و فقدان ابزارهای مالی مناسب جهت تأمین مالی این بخش است.

فقدان بازار مالی کارآمد برای بخش کشاورزی و ناتوانی آن در تأمین منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاری، روند توسعه بخش مذکور را کند نموده است. سیاستهای

اقتصاد کلان و بخشی نامناسب، تصور فقدان سودآوری و ضعف ساختاری نهادها و بازار مالی کشاورزی و مداخلات ناکارآمد دولت در این بازار (نظیر وضع نرخ سود ترجیحی و اعطای اعتبارات یارانه ای، اعطای تسهیلات تکلیفی توسط نظام بانکی، الزام بانک کشاورزی به اجرای اهداف و برنامه های اعتباری دولت و تمرکز صرف این بانک بر فعالیتهای بخش کشاورزی) از مهمترین چالشها و تنگناهای بازار مالی کشاورزی کشور می باشد. با وجود برنامه های اعتباری کشاورزی متعدد و افزایش عرضه وجوه قابل وام دهی تحول قابل ملاحظه ای در این بخش مشاهده نمی شود.

به دلیل اجرای سیاست اعطای اعتبارات یارانه ای و وضع نرخهای بهره پایین، در بخش کشاورزی مازاد تقاضای تسهیلات وجود دارد. این امر موجب برخورداری ثروتمندان و کشاورزان دارای وثیقه بیشتر و ارتباط بهتر با دستگاههای اجرایی از وامهای یارانه ای گردیده که در نتیجه آن نابرابری درآمدی تشدید شده و دسترسی کشاورزان خرده پا به اعتبار را کاهش داده است. در مقابل در بازار غیر رسمی کشاورزی نرخ بهره وام دهی بسیار بالاست و کشاورزان کم درآمد ناگزیرند وجوه مورد نیاز خود را از طریق این منابع تأمین نمایند. از این رو دولت می باید ضمن اصلاح ساختار و سامان دهی بخش کشاورزی در جهت وضع چارچوب سیاستی مناسب برای ایجاد کارایی و کارکرد موثر هزینه در بازارهای مالی اقداماتی انجام داده تا خدمات مالی پایداری را برای عاملان اقتصادی این بخش فراهم آورد و شرایط خدمات دهی به کشاورزان را بهبود و توسعه بخشد. بدین منظور پیشنهادهای ذیل جهت اصلاح ساختار بازار مالی کشاورزی و توسعه سرمایه گذاری در این بخش به سیاستگذاران توصیه می شود:

۱- سودآوری فعالیتهای کشاورزی عاملی مهم در جذب سرمایه ها و اعتبارات به این بخش است. مضافاً اینکه در بین فعالیتهای کشاورزی، تسهیلات و اعتبارات باید به سمت

فرصت‌های سودآورتر هدایت شود تا به افزایش درآمد کشاورزان منجر گردد. بنابراین بخش کشاورزی ایران نیاز به اجرای اصلاحات سیاستی و بخشی دارد تا فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور برای سرمایه‌گذاران و تسهیلات گیرندگان فراهم شود. حذف کنترل‌های قیمتی محصولات کشاورزی و غذایی و همتراز کردن قیمت‌های نهاده - ستانده با قیمت‌های بین‌المللی در زمره این اصلاحات می‌باشد.

۲- توسعه و پویایی بخش کشاورزی نیازمند وجود بازار مالی کشاورزی توسعه یافته است. از این‌رو اصلاح ساختار بانک کشاورزی در مقام مهم‌ترین نهاد رسمی تأمین‌کننده منابع مالی برای بخش کشاورزی ضروری است. این امر از طریق مدیریت قوی و مستقل، خوداتکایی مالی و تغییر روش تأمین وجوه از منابع خارجی (دولت و سایر بانکها) به منابع داخلی (مبتنی بر جذب سپرده)، ایجاد یک سبد وام متنوع، گسترش دامنه خدمات و تمرکززدایی (تصمیم‌گیری در سطح شعب) امکان‌پذیر است. اما باید توجه داشت این اصلاحات منوط به اجرای سیاست‌های تثبیت اقتصاد کلان و آزادسازی مالی در محیط اقتصادی کشور است.

۳- در حال حاضر اعطای تسهیلات بانکی با نرخهای ترجیحی تنها روش رسمی تأمین مالی بخش کشاورزی می‌باشد که می‌باید ضمن تجدید نظر در آن از سایر روشها و منابع تأمین مالی در این بخش بهره‌جست. انتشار اوراق بهادار بدهی و اوراق سهام‌گزینه‌های دیگر برای تأمین مالی می‌باشند. اوراق بهادار بدهی مانند اوراق مشارکت، اوراق قرضه با بهره متغیر و سایر اوراق ابداعی که سازگار با قانون بانکداری بدون ربا باشند نیز از جمله ابزارهای تأمین مالی هستند که می‌توانند توسط بانک کشاورزی یا یک نظام اعتباری کشاورزی از قبل طراحی شده، انتشار یابند. همچنین تشویق و حمایت از ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی امکان تأمین مالی از طریق اوراق سهام‌رایی فعالیت‌های کشاورزی فراهم می‌سازد.

۴- مداخلات دولت باید تنها با هدف رفع ناکارایی‌های خاص در بازار مالی کشاورزی - روستایی انجام گیرد. مداخلات دولت در جهت رفع ناکارایی بازار شامل حمایت از برنامه‌های اعتباری خرد و ابداعی است که به صورت آزمایشی به اجرا درمی آید. کمک به تأمین سرمایه‌مورد نیاز و در نظر گرفتن تشویق‌های مالی برای ایجاد موسسات مالی که به کشاورزان محروم‌شده‌ازوام خدمت می‌رسانند، ترغیب موسسات مالی جهت گسترش دامنه خدمات به مشتریان معین یا مناطق خاص، تأمین مخارج اولیه تحقیق و روشهای مؤثر خدمات رسانی به مشتریان هدف، پرداخت یارانه های هدفمند بابت بخشی از هزینه‌های معاملاتی وام‌دهی موسسات مالی به کشاورزان خرده پا، فراهم کردن خدمات غیر مالی مانند آموزش مهارت‌های پایه ای از طریق همکاری موسسات مالی و سازمان‌های غیر دولتی، استفاده از ابزارهای تشویقی برای تجهیز پس انداز و یکنواخت کردن مصرف و تأمین وجوه نقد برای وام‌دهی به مشتریان از جمله مداخلات دولت با هدف افزایش کارایی در بازار مالی است.

۵- کشاورزان خرده پا در صورتی می‌توانند از خدمات بانکداری سنتی و وام‌دهی تضمینی برخوردار گردند که اسنادی برای دارایی‌هایشان در اختیار داشته باشند. بنابراین می‌باید املاک مزروعی و مستغلات ممیزی شده و به ثبت برسد و برای آنها سند صادر شود. بعلاوه قوانین وثیقه برای دارایی‌های منقول و شخصی بهنگام شود. همچنین در صورت فقدان وثیقه کافی از طریق حمایت از تشکیل اختیاری گروه‌های وام گیرنده همگن و کوچک، سرمایه گروهی به شکل تعهدات مشترک ایجاد شود.

۶- به لحاظ وعده‌دار بودن قراردادهای مالی و بعد زمانی آنها، واسطه‌گران مالی و مشتریان‌شان به اطلاعات جامعی برای تعیین ریسک معاملات و محیط اقتصادی و سیاسی با ثبات برای تکمیل قرارداد در طول زمان نیاز دارند و باید به طور مقتضی در ارزشیابی ریسک‌های مربوطه آزاد باشند. همچنین باید بتوانند وقتی که شرایط

قراردادی پذیرفته نمی‌شود، تدابیر معقول به کار بندند. افزون بر این، استفاده از نرخهای بهره بازار نیز در مقام یک پیش شرط اساسی در تلاش برای دستیابی به کارایی عملیاتی و استقلال مالی موسسات مالی کشاورزی مطرح می‌باشد.



ژرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و ماخذ:

- ۱- بانک کشاورزی (۱۳۸۳)، "نرخ سود اعتبارات در بازار مالی غیر رسمی روستایی"، مرکز تحقیق و توسعه.
- ۲- بانک کشاورزی (۱۳۸۲)، "گزارش ارزیابی سیاستها و عملکرد بانک کشاورزی در برنامه پنجساله سوم".
- ۳- بانک مرکزی ج.ا.ا، "گزارش اقتصادی و ترانزنامه"، سالهای مختلف، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی.
- ۴- سبزواری، ع. (۱۳۸۳)، "مسئله گرسنگی در جهان" ماهنامه دهاتی، شماره ۱۴.
- ۵- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، دفتر اقتصاد کلان، "آمار جمعیت شاغل کشور".
- ۶- عبداللهی، مهدی. (۱۳۸۴)، "چالشهای تأمین مالی کشاورزی - روستایی: تجربه ها و رهیافتهای نوین" گزارش داخلی، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک مرکزی ج.ا.ا.
- ۷- عرب مازار، ع. خدارحمی، ر. (۱۳۷۸)، "ویژگیهای عمده بازار مالی روستایی در ایران" فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۲۶.
- ۸- موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۸۲)، "کارنامه ۲۵ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش کشاورزی و روستایی".
- ۹- یارون، ج. و دیگران. "تأمین مالی روستایی" ترجمه رضا حسینی (۱۳۸۱)، نشر علوم کشاورزی کاربرد.
- ۱۰- یعقوبی، و. و ترکمانی، ج. (۱۳۸۲)، "بررسی و مقایسه بخشهای متشکل و غیر متشکل پولی در بازار مالی روستایی" فصلنامه بانک و کشاورزی، شماره دوم.

11 - FAO & GTZ, (1998), "Agricultural Finance Revisited: Why?"

12 - Farm Credit System. WWW.farmcredit.com

14 - Gonzalez-Vega, C and Graham, D (1995), "State-Owned Agricultural Development Banks" Economics and Sociology Occasional Paper No.2245, The Ohio State University.



ثرو بشكاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی